



University of Science and Quranic Knowledge
Shahin Faculty of Quranic Sciences

Examining the Qur'anic Foundations of Human Personality with a Comparative Approach of the Exegetical Thoughts of the Supreme Leader and Ayatollah Javādi Āmoli

Ali Asghar Shoa'ei¹ 

1. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Holy Qur'an Sciences and Education, Qom, Iran. shoa'ei@quran.ac.ir

Research Article



Abstract

One of the most important topics in anthropology is the concept of personality, yet there has been limited research examining it from the perspective of the Qur'an. Moreso, each theorist has provided a different definition of personality based on their understanding, leading to significant ambiguities in this field. One of the solutions to eliminate these ambiguities is to refer to religious texts, as they can help extract the religious foundations of human personality and address all aspects of human existence, both material and immaterial. This article employs a descriptive-analytical method to examine the foundations of human personality from the teachings of the Qur'an, with a comparative approach to the exegetical thoughts of Ayatollah Sayyid Ali Khamenei and Ayatollah Abdullah Javādi Āmoli. The findings of the research indicate that human personality, understood as moral qualities, serves as the underlying structure and internal cause of human behavior. Its formation is influenced by both internal factors, such as the material, metaphysical, and uncontrollable environment, and external factors, such as the controllable environment and voluntary behaviors, some of which are acquired while others are innate. **Keywords:** Qur'anic foundations, Personality, Comparative approach, Exegetical thoughts, Khamenei, Javādi Āmoli.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Received: 2023/08/06 ; Received in revised form: 2024/01/23 ; Accepted: 2023/10/24 ; Published online: 2024/09/20

◆ How to cite: Shoa'ei, Ali Asghar(1403SH): 'Examining the Qur'anic Foundations of Human Personality with a Comparative Approach of the Exegetical Thoughts of the Supreme Leader and Ayatollah Javādi Āmoli ', *Comparative Interpretation Studies*, 9(17), P100-121, [10.22034/cs.2024.410330.1310](https://doi.org/10.22034/cs.2024.410330.1310)

©The Author(s). Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



 olomquran.ir

بررسی مبانی قرآنی شخصیت انسان با رویکرد تطبیقی اندیشه‌های تفسیری مقام معظم رهبری و آیت‌الله جوادی آملی

علی اصغر شعاعی^۱

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. shoaee@quran.ac.ir

چکیده

از مهم‌ترین مباحث انسان‌شناسی موضوع شخصیت است که تاکنون پژوهش‌های اندکی به بررسی آن از منظر قرآن کریم پرداخته‌اند. علاوه بر آن، هر یک از نظریه‌پردازان با توجه به درک خود تعریف متفاوتی از شخصیت ارائه داده‌اند و همین مسئله ابهامات زیادی را در این حوزه به وجود آورده است. یکی از راه‌حل‌های از بین بردن ابهامات، مراجعه به متون دینی است؛ زیرا در این متون، می‌توان مبانی دینی شخصیت انسان را استخراج نمود و به همه ساحت‌های وجودی وی اعم از مادی و غیرمادی پرداخت. در این مقاله با کاربری روش توصیفی-تحلیلی، مبانی شخصیت انسان از منظر آموزه‌های قرآن کریم با رویکرد تطبیقی اندیشه‌های تفسیری آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد شخصیت انسان به معنای ملکات نفسانی و به مثابه‌ی زیرساخت و علت درونی رفتار انسان است که زمینه‌های شکل‌گیری آن را بُعد درونی مثل مادی، ماورائی و محیط غیرقابل کنترل و بُعد بیرونی مثل محیط قابل کنترل و رفتارهای اختیاری انسان شکل می‌دهد که برخی اکتسابی و برخی غیر اکتسابی است.

کلیدواژه‌ها: مبانی قرآنی، شخصیت، رویکرد تطبیقی، اندیشه‌های تفسیری، خامنه‌ای، جوادی آملی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

♦ استناد به این مقاله: شعاعی، علی اصغر (۱۴۰۳): «بررسی مبانی قرآنی شخصیت انسان با رویکرد تطبیقی اندیشه‌های تفسیری مقام معظم رهبری و آیت‌الله جوادی آملی»، *مطالعات تفسیری تطبیقی*، ۹(۱۷)، ۱۰۰-۱۲۱، 10.22034/csq.2024.410330.1310

© نویسندگان ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۱. مقدمه

انسان‌شناسی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائلی است که افکار اندیشه‌وران را درگیر کرده است. به صورت عمده این مبحث در دو دانش روان‌شناسی و مدیریت بیشتر خود را نشان داده است (مورهد و گریفین، ۱۳۸۸: ۸) که شناخت آن می‌تواند بسیاری از مسائل مربوط به روان انسان و نیز رفتارهای او را مشخص کند (وی ریچو کونتز، ۱۳۸۸: ۵۰۶).

علاوه بر این، موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که درک پیچیدگی‌های رفتار انسان و استفاده از رفتار صحیح با آن‌ها از حساسیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین برای درک و پیش‌بینی رفتار هر فرد باید ابعاد معنوی و ارزش‌ها و ساختارهای ذهنی او را شناخت و به مبانی فکری و عقیدتی او توجه کرد... بر این اساس، با توجه به تمایز بین نظام ارزشی جامعه اسلامی با سایر جوامع، رفتار افراد مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که رفتار آنان را از دیگران متمایز می‌کند. این مسئله مهم، اندیشه‌وران مسلمان و پژوهشگران را مکلف می‌سازد تا در موضوع رفتار انسان با رویکرد اسلامی پژوهش و تحقیق کنند. جامع بودن مقام علمی آیت‌الله خامنه‌ای و نیز آیت‌الله جوادی آملی و نیز تسلط ایشان بر مسائل نوپدید، زمینه‌ی مساعدی را برای شناخت مسئله شخصیت انسان از منظر این دو عالم فرزانه فراهم آورده است؛ از این رو نگارنده این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف دستیابی به مبانی شخصیت انسان از دیدگاه آموزه‌های قرآن کریم، سعی در ورود مؤثر اندیشه‌های خود به شناخت شخصیت با رویکرد علمی نموده است.

۲. مفهوم شناسی

شخصیت: شخصیت^۱ از آن دسته واژگانی است که در رشته‌های مختلف به معانی مختلفی اطلاق شده است و دلیل آن را می‌توان در نگرش‌های مختلف نسبت به طبیعت انسان دانست که هر متفکری به بررسی ماهیت انسان از منظر خود پرداخته و در مورد شخصیت انسان اظهار نظر می‌کند (فیست، ۱۳۹۱: ۱۲)؛ به عبارتی دیگر، می‌توان گفت که تعریف شخصیت، وابسته به نوع نظریه آن اندیشمند در مورد ساختار و ماهیت انسان است (حقانی، ۱۳۹۰: ۲۳۸/۱)؛ بر اساس تعریف یکی از اندیشمندان، شخصیت به عنوان مجموعه‌ای از عناصر و اجزا تعریف شده که از ویژگی‌های نسبتاً ثابت برخوردار بوده که استمرار دارد و نسبت به افراد تفاوت دارد. در تعریف منتخب می‌توان گفت: شخصیت عبارت است از مجموعه سازمان یافته

و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً پایدار و ثابت که روی هم یک فرد را از فرد یا افراد دیگر، متفاوت می‌سازد (شاملو ۱۳۷۴: ۱۳).

اگرچه قرآن کریم درباره شخصیت انسان با عنوان خاصی صحبت نکرده است؛ اما از مجموع آیاتی که درباره انسان نازل شده است، می‌توان به بررسی «روانشناسی شخصیت» انسان پرداخت. مناسب‌ترین واژه‌ای که قرآن کریم برای شخصیت (منش و خوی) به کار می‌برد، واژه «شاکلة» است، خداوند در آیه ۸۴ سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ، فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا﴾؛ بگو (ای پیامبر)، هر کس بر اساس شخصیت و منش خودش عمل می‌کند؛ سپس پروردگار شما نسبت به آنکه هدایت یافته است (از همه) آگاه‌تر است.

انسان: انسان اصلش از «انسیان» است؛ زیرا لغت شناسان عربی، مصغّر آن را «انسیان» دانسته‌اند. «یای» آخر در تصغیر بر وجود آن در اصل، دلالت می‌کند و به سبب کثرت استعمال، حذف شده است (طریحی، ۱۴۱۶: ۱۲۰/۱). در وجه تسمیه انسان به این نام نقل شده است که با توجه به اینکه انسان اصلش «انسیان» بوده و آن هم از «نسیان» است و انسان چون با خدای خود عهده‌ی بست و فراموش کرد، بدین نام، نامیده شد (واسطی، ۱۴۱۴: ۱۰۲/۴) یا بدان جهت که می‌تواند بین خود و سایر مخلوقات انس و الفت برقرار کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۳۵/۲). علامه مصطفوی پس از تبیین معنای واژه انسان چنین نتیجه می‌گیرد: «الانسان» از ریشه «انس» می‌آید و «انس» به طور هم‌زمان شامل دو معنای اساسی «قرب» و «ظهور» می‌شود؛ یعنی آن چیزهایی که آشکارا و صمیمانه احساس می‌کنیم و احساس دوری و فرار از آن‌ها نمی‌کنیم. به همین دلیل است که در قرآن کریم «جن» به معنای مخلوق پنهان و بی‌ظاهر قبل از «انس» قرار گرفته است؛ و همچنین به همین دلیل است که در فرهنگ شناسی، «وحشی» و «حیوان» را که حاوی مفاهیم گریز و اجتناب - در درون مفهوم خود - هستند را در مقابل «انس» قرار می‌دهند (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۷۵/۱).

اصطلاحات انسان، آدم و بشر، هر سه تقریباً بر افراد انسان صدق می‌کند؛ اما به لحاظی با هم فرق دارند، در میان اهل لغت، واژه بشر و انسان، عَلمٌ برای نوع انسان به کاررفته است، اما اکثر اهل لغت واژه «آدم» را عَلمٌ برای شخص گرفته‌اند. برخی هم آن را مثل بشر و انسان برای «نوع» به کار برده‌اند. در قرآن هر جا واژه بشر به کاررفته، بیانگر بدن و پوست و بدن ظاهری انسان است و هر جا کلمه «انسان» به کاررفته است، بیانگر استعدادها و کمالات درونی اوست (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۸/۱).

در این تحقیق منظور از «شخصیت انسان»، خصوصیات است که در روح هر کس شکل می‌گیرد و او را از دیگران جدا می‌کند و وسیله تشخیص او از دیگران می‌شود. **مبانی:** لغت شناسان مبانی را جمع مبنی به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند (فراهِیدی، ۱۴۱۰: ۵/۲۹۵؛ فیومی، بی‌تا: ۳۲۱/۲) در لغت مبانی از مبنا گرفته شده که مرکب از اجزای است، ولی در قالب خاص به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/۳۴۴). در لغت اساس و پایه هر چیزی را مبنا می‌گویند (طریحی، ۱۴۱۶: ۱/۶۴). این کلمه در علوم مختلف به عنوان پیش فرض‌های یک نظریه در نظر گرفته شده و مجموعه‌های از گزاره‌های مفروض برای طرحی هر نظام است که شامل دلایل، مفاهیم اساسی و اصول کلی آن دانش است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۲۵/۲۶)؛ اما در تفسیر مراد از آن، اصول مسلم پذیرفته شده است که برای تفسیر آیات و کلمات قرآن کریم اثر دارد (مؤدب، ۱۳۹۳: ۲۸).

۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مختلفی درباره شخصیت انسان انجام شده است که به برخی اشاره می‌شود:

- عنوان تحقیق «بررسی دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر مفهوم شاکله و الزامات تربیتی آن در تفسیر المیزان»، موضوع تحقیق سلمان ماهینی و فرامرز قراملکی (۱۳۹۴) است که نشان می‌دهد علامه طباطبایی در تفسیر شاکله، دیدگاه ملکه انگاری را ملاک قرار داده و سلامت نفس، کمال و رشد آن را درگرو شاکله دانسته است... به تعبیری، با شناخت شکل به عنوان زیرساخت و علت درونی رفتار، آموزش به عنوان تغییر این زیرساخت تلقی شده و تغییر رفتار از طریق آن جستجو می‌شود.

در مقاله موسوی جلال و ملکی (۱۳۹۳) با عنوان «شاخصه‌های رفتار سازمانی از نگاه قرآن»، پیامبر به عنوان بهترین الگوی رفتار عملی مدیریت در جامعه معرفی شده است. مدیریت قرآنی از دیدگاه نویسندگان، مدیریتی عملی، متمرکز، مشاوره جویانه، آزاد و باز است. ارتباطات در رفتار عملی مدیریت بسیار مؤثر است و برای تقویت زیرساخت‌ها و ارزش‌ها و اهداف سازمان باید دارای ویژگی‌ها و الگوهای باشد که قرآن برای آن‌ها اصولی را برشمرده است. در رفتار عملی مدیریت نظارت اسلامی، دو فرآیند درونی و بیرونی به طور هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد.

رضائیان و نیسیانی (۱۳۹۱) در پژوهشی دیگر با عنوان «تبیین الگوی نظام‌مند رفتار انسان از منظر قرآن کریم» با به‌کارگیری روش تحقیق موضوعی، نگاهی نظام‌مند به رفتار انسان از منظر قرآن کریم دارند. از دیدگاه آنان، هر چه آیات

مربوط به رفتار انسان با دقت بیشتری مورد توجه قرار می‌گیرد، وجود پیوندهای نظام‌مند میان آن‌ها آشکارتر می‌شود.

جاسبی و محمد نوربخش لنگرودی (۱۳۷۶) در پژوهشی دیگر با عنوان «مبانی رفتار انسان از دیدگاه اسلام» مبانی رفتار انسان را از سه منظر مختلف تبیین کرده‌اند. اول دیدگاهی که جنبه‌های غیر اکتسابی را مبنای رفتار انسان می‌داند، ثانیاً دیدگاهی که سعی در تبیین رفتار از منظر عوامل اکتسابی دارد و ثالثاً؛ با استفاده از آیات و روایات.

در این تحقیق با رویکرد انتقادی در حوزه دانش، نقش شخصیت در رفتار انسان بررسی شده است. تفاوت اصلی این مقاله با نگاشته‌های گذشته در این است که از یک رویکرد انتقادی بهره می‌برد تا عوامل نهفته و تأثیرگذار بر رفتار انسان را بیشتر برجسته سازد. این رویکرد ممکن است به تحلیل عمیق‌تری از عوامل نفسی، اجتماعی و شغلی که نقش شخصیت در رفتار انسان دارد، منجر شود. علاوه بر این، این مقاله موضوع را در یک مکتب خاص بررسی می‌کند، به این معنا که به وسیله مطالعه و تحلیل ادبیات مرتبط با این موضوع، سعی در درک و تبیین مفاهیم و نظریه‌های آیات خامنه‌ای و جوادی عاملی دارد. این تحقیق به توسعه نظریه‌ها و مدل‌های مرتبط با نقش شخصیت در رفتار انسان می‌پردازد و تا حد زیادی به تفکیک مسائل مختلف مرتبط با این موضوع می‌پردازد. این رویکرد ممکن است به نحوه جدیدی از نگرش به این مسئله منجر شود و ارتقاء دانش در حوزه رفتار انسان را تسهیل نماید.

۴. ادبیات علمی

موضوع شخصیت عمدتاً در دو دانش روان‌شناسی و مدیریت بحث شده است. آنان با توجه به این سؤال که شخصیت انسان چگونه شکل می‌یابد به کنکاش درباره‌ی شخصیت پرداخته‌اند (مورهد و گریفین، ۱۳۸۸: ۸۱) تا از این طریق بتوانند رفتار انسان را پیش‌بینی کرده و آن توجیه نمایند (همان: ۱۳۴).

شخصیت در دانش روان‌شناسی: موضوع شخصیت در دانش روان‌شناسی با رویکردهای تحلیل روانی، تحلیل صفات، تحلیل رفتار و تحلیل انسان مطرح شده است. (شولتز، ۱۳۸۹: ۷) از نظر فروید شخصیت انسان متأثر از عوامل جبری است که توسط نیروهای غریزی با محدودیت روبرو شده و هدایت می‌شود. (شفیع‌آبادی، ۱۳۶۵: ۵۱) مجموع سه نظام نهاد، من و فرامن از یک سوی و سه سطح هشیار، نیمه هشیار و ناهشیار از سوی دیگر، الگوی ساختاری شخصیت را از دیدگاه فروید تشکیل می‌دهند. (یان کریستنسن، ۱۳۸۵: ۵۸۴) که مجموعه‌ی

آن‌ها عامل بروز رفتارهای انسان است.

در رویکرد تحلیلی رفتار، راه رسیدن به شخصیت انسان، مطالعات تجربی است (استیونس، ۱۳۶۳: ۱۵۴). در رویکرد تحلیلی صفات، صفات انسان بهترین تجلی‌گاه شناخت شخصیت انسان است (مورهد و گریفین، ۱۳۸۸: ۸۳) و از نظر رویکرد تحلیلی انسان، انسان یک موجود فعال و خلاق است که به دنبال رشد و شکوفایی است (نیک صفت، ۱۳۸۲: ۱۸۹) بر اساس این رویکرد، کمال و رشد انسان به عنوان یک نقشه پیش ساخته در ساختار ژنتیک وجود دارد (شولتز، ۱۳۸۹: ۴۲) از نظر راجرز رویکرد روان‌شناسی انسان‌گرا به دنبال به فعلیت رساندن استعداد های انسان است (راجرز، ۱۳۷۰: ۱۸۵) که در آن خود شکوفا شدن یک امری فطری است (شاملو، ۱۳۷۴: ۱۱۴).

موضوع شخصیت افزون بر دانش روان‌شناسی به عنوان خاستگاه آن، در نظریه‌های اجتماعی مدیریت هم مطرح شده است (قلی‌پور، ۱۳۸۰: ۶۲). در میان نظریه‌های معروف مدیریت، در نظریه‌های مدیریت روابط انسانی به صورت مشخص به شخصیت انسان پرداخته شده است. یکی در نظریه‌ی مک‌گریگور (وی ریچ، ۱۳۸۸: ۵۰۹) دوم در نظریه‌ی نیازهای آبراهام مازلو (مازلو، ۱۳۷۱: ۸۳) و سوم در نظریه‌ی کریس (رضائیان، ۱۳۸۷: ۵۷) که هر کدام به شکل خاص به شخصیت و ویژگی‌های آن پرداخته است.

با عنایت به دو دانش یاد شده می‌توان گفت که زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت انسان یا روان انسان (استوتزل، ۱۳۸۵: ۶؛ اتکینسون هلیگارد: ۳۵/۱) یا طبیعت انسان که از ارتباط وراثت و محیط ساخته می‌شود (ویتن، ۱۳۸۹: ۲۲۱) البته هر فردی دارای شخصیت مختص به خود است که یا از طریق وراثت کسب کرده (شعاری نژاد، ۱۳۸۵: ۴۱۹-۴۱۸) یا از طریق ارتباط و تعامل وراثت با محیط به دست آورده است (محمد زاده و مهرورژان، ۱۳۷۵: ۱۰۱)؛ بنابراین شخصیت هر فردی مرکب از خصوصیات ذهنی و فیزیکی (رضائیان، ۱۳۸۱: ۱۹۷) است که از راه رابطه متقابل وراثت با محیط شکل یافته و تفاوت‌های رفتاری افراد نتیجه اختلاف محیطی، یا ارثی و هر دو است (ساعتچی، ۱۳۸۳: ۵۶).

با توجه به گستره بحث شخصیت و انبوه نظریه‌های آن در بستر چند دهه اخیر، به گونه‌ای که هر نظریه‌پرداز تعریفی از شخصیت ارائه کرده است، می‌توان گفت متفکران دانش روانشناسی و مدیریت در شناخت حقیقت شخصیت انسان ناکام بوده و نتوانسته‌اند تبیین و تحلیل جامع و قابل قبولی از آن ارائه دهند و نقش آن را بر رفتار انسان در جامعه به خوبی بررسی و پیش‌بینی کنند.

۵. بررسی مبانی شخصیت انسان

۵-۱. مفهوم شخصیت

قرآن کریم در سوره اسراء، از شخصیت انسان این‌گونه تعریف ارائه داده است: ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾ (اسراء/۸۴)؛ تو به خلق بگو: هر کس برحسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد کرد. با توجه به این آیه، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین واژه قرآنی برای تداعی مفهوم شخصیت، واژه «شاکله» است؛ از این رو مفهوم این واژه، از دو منظر لغوی و نیز از منظر مفسرین معنا کاوی می‌شود.

مفهوم لغوی: «شاکله» از ماده شکل به معنای بستن پای چارپا است. طنابی که با آن پای حیوان بسته می‌شود، «شکال» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۹۵/۵؛ فیومی، بی‌تا: ۳۲۱/۲؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۴۰۲/۵). در جدول ذیل مفاهیم اصلی شاکله ذکر شده است.

ردیف	مفهوم شاکله	صاحب نظر و منبع
۱	شباهت در هیئت و صورت، طبیعت، خلق و خوی	(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۲)
۲	مثل، مانند و شبیه بودن در حالات	(فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۲۹۵)
۳	مثل، مانند و شبیه بودن در نیت، حالات، طریقت، مذهب، طبیعت، مخلوط شدن، راه و روش	(واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۰/۱۴)
۴	طبیعت، نیت، طریقت، مخلوط شدن	(طریحی، ۱۴۱۶: ۴۰۲/۵)
۵	مشابهت در طبیعت و وصف، مخلوط شدن	(فیومی، بی‌تا: ۳۲۱/۲)
۶	ماده اصلی آن، صورت با توجه به خصوصیات آن است، صفت و طبیعت الشَّاکِلَةُ: الهيئة الإجمالية ذات خصوصیات ظاهریة، أو الطبیعة الباطنیة التي تقتضی تشکلا مخصوصاً فی الصورة، فأن الشکل الصوری أثر ما فی الباطن من الصفات و الطبائع، فأن الإناء یترشح بما فیهِ و الأعمال الظاهریة ترشحات مما فی الباطن.	(مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۳۱/۶)

جدول ۱: مفاهیم لغوی شاکله

بر اساس بیان اهل لغت، واژه شاکله دارای مفاهیمی همچون نیت، خلق و خوی، طریق، هیئت، طبیعت، صفت، مثل، مانند و مخلوط شدن است.

مفهوم تفسیری: در قرآن کریم از ریشه «شکل»، دو آیه آمده است: ﴿وَأَخْرَجْنَا مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجًا﴾ (ص/۵۸) و ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا﴾ (اسراء/۸۴) آیه مورد نظر، آیه ۸۴ سوره اسراء است. خلاصه معانی «شاکله» از منظر تفاسیر در جدول زیر آمده است:

ردیف	معارف استخراجی شاکله	مفسران و منابع تفسیری
۱	ملکه	(طباطبایی، ۹۰/۱۳۱۴۱۷؛ سبزواری نجفی، ۲۹۵/۱۴۱۹:۱؛ فخر رازی، ۳۹۱/۲۱۱۴۲۰؛ فضل الله، ۲۱۶/۱۴:۱۴۱۹)
۲	مذهب و طریقت	(زحیلی، ۱۵۱/۱۵:۱۴۱۸؛ حقی بروسوی، بی تا: ۱۹۵/۵؛ طوسی، بی تا: ۵۱۴/۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۴/۱۵؛ مراغی، بی تا: ۸۷/۱۵)
۳	طبیعت	(خطیب عبدالکریم، بی تا: ۵۳۸ /۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۰۴/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۷۳/۶؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۳/۴۸۱؛ ابوحیان، ۱۰۵/۷۱۴۲۰)
۴	نیت	(ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۰۴/۵؛ میدی، ۶۱۳/۵۱۳۷۱؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۳۱۴۲۲/۴۸۱؛ ابوحیان، ۱۰۵/۷۱۴۲۰)
۵	دین	(ثعلبی نیشابوری، ۱۲۹/۶۱۴۲۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۲/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۰۴/۵)
۶	خلق و خوی	(طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۷۳؛ شبر، ۱۴۰۷: ۴۴/۴)

جدول ۲: مفاهیم تفسیری شاکله

بر اساس بیان مفسران، «شاکله» در مفاهیم زیر تفسیر شده اند: ملکه، دین، مذهب و طریقت، خلقت و طبیعت، نیت، خلق و خوی.

۲-۵. مبانی شخصیت انسان

تبیین شخصیت، نیازمند شناسایی ریشه ها و زمینه های ساخت شخصیت است، چراکه تا عناصر سازنده آن شناخته نشود، نمی توان تحلیل درستی از آن در

آیت الله خامنه‌ای انسان را موجودی می‌داند که هم قابلیت رشد و تعالی را دارد و هم قابلیت زوال و سقوط را در وجود خود دارد؛ هر انسانی در درون خود منیت سرکشی دارد که اگر به آن رسیدگی شود او را نابود نمی‌کند و اگر این غریز به درستی کنترل و به کار گرفته شوند، انسان را به اوج کمال خواهند رساند و این دلیلی بر فلسفه آفرینش وجود انسان است. ایشان می‌گویند: «فلسفه‌ی آفرینش انسان این است که آن استعدادها را برجسته‌ی مثبت و ممتاز از لحاظ ارزش‌های الهی، با اختیار خود انسان و با مجاهدت انسانی، غلبه پیدا کند بر آن خصلت‌های حیوانیت و سببیت که اگر این غلبه پیدا شد آن وقت همان استعدادها را حیوانی هم جهت‌گیری درستی پیدا می‌کنند» (بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰). معظم له بر اساس آموزه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای برای انسان قائل است و ابعاد چندگانه‌ای برای انسان در نظر می‌گیرد: «انسان محدود در جسم نیست؛ محدود در زندگی چندروزه دنیا نیست؛ محدود در معنویات هم فقط نیست؛ محدود در یک قطعه شخصی از تاریخ هم نیست؛ انسان همیشه در همه حال انسان است و ابعاد وجودی انسان، ابعاد لایتناهی است و ناشناخته است» (بیانات، ۱۳۷۷/۰۸/۲۶). ایشان در قوام شخصیت انسانی علاوه بر تأثیر عوامل و عناصر خارجی و ظاهری برای مقومات دیگری مانند افکار و جهان بینی در تشکیل شخصیت او منشأ اثر فراوان قائل هستند» (بیانات، ۱۳۶۸/۰۳/۱۸)؛ بنابراین شخصیت یک پدیده بیرونی و واقعی است که دارای دو بعد مادی و معنوی است. چهار عامل در رشد شخصیت انسان نقش دارند که دو مورد از آن‌ها غیرقابل کنترل است؛ یعنی وجود و محیط درونی (ارث) که انسان در آن کنترلی ندارد. دو عامل تحت کنترل انسان است که عبارت‌اند از محیط قابل کنترل (باور، نفاق و کفر) و رفتار انسان.

بعد مادی: بعد مادی انسان همان طبیعت اوست. غریزه‌های پنج‌گانه انسان و به عبارتی بسیاری از خصوصیات منفی که برای انسان نام برده شده، به طبیعت انسان برمی‌گردد. خصوصیات مانند هلو (معارف/۱۹)، جزوع (معارف/۲۰)، منوع (معارف/۲۰)، قنور (اسراء/۱۰۰)، ظلوم و جهول (احزاب/۷۲). صفات یادشده از آن جهت با انسان همراه است که جسم او در حیات طبیعی با لذت‌های طبیعی همگام است و به حکم حس‌های پنج‌گانه و غریز و وهم و خیال به آن گرایش دارد (جوادی آملی ۱۳۸۴ آ: ۱۸۲).

آیت الله خامنه‌ای طبیعت انسان را نیازمند به نیرویی می‌داند که آن را هدایت کند: «طبیعت انسان طبیعت آسیب‌پذیری است؛ اگر دست قوی تضمین‌کننده

بالای سرش نباشد به سمت عدم سلامت سوق داده خواهد شد» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان ارشد قوه قضائیه، ۶/۲۰، ۱۳۶۸). از منظر ایشان «اسلام نسبت به زن و مرد و همه‌ی خلقت، یک دید واقع بینانه مبتنی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد؛ یعنی از هیچ‌کس بیش از تمکنش و بیش از آنکه به آن داده شده است توقعی ندارد. اصلاً بنای اسلام بر همین است یک بنای واقعی و منطقی» (بیانات ۱۰/۱۶، ۱۳۶۹).

بعد ماورائی: این بُعد انسان از ابعاد مختلفی تشکیل شده است:

الف) فطرت: از منظر قرآن کریم انسان موجودی است که از خاک و روح خلق شده (ص/۷۱-۷۲) که در ابتدای آفرینش از هرگونه علمی خالی است (نحل/۷۸)؛ ولی از سرشت خاصی برخوردار شده که فطرت توحیدی اوست (روم/۳۰). گرایش انسان به تقوا و دوری کردن او از زشتی‌ها، در فطرت انسان قرار داده شده (شمس/۸) و چنانچه انسان به فطرت و ذات خویش متمایل شود تا جایی اوج می‌گیرد که قرآن از آن تعبیر به «أَفْقِ الْأَعْلَى» و مقام «أَوْدُنَى» (نجم/۷-۹) کرده که بالاتر از ملائکه است (جوادی آملی ۱۳۸۳: ۱۳۲).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای انسان فطرتاً خداجوست: «وجود خدای متعال، یک وجود بدیهی و روشن و واضحی است که همه وجود یک انسان، به او گواهی می‌دهد؛ یعنی اگر انسان دچار وسوسه نشود و خودش را در وسوسه‌ها غرق نکند، ذهن انسان، دل و جان انسان به وجود خدا گواهی می‌دهد. واقعاً وجود خدا حتی به برهان و استدلال، احتیاج ندارد؛ اگرچه برهان و استدلال زیادی هم در مورد وجود پروردگار هست» (گفت‌و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

ایشان عدم توجه به فطرت و روح انسان را چالش جدی برای انسان‌شناسی غربی دانسته و می‌فرماید: «در انسان‌شناسی‌های جدید شکل گرفته در غرب، جایی برای طرح فطرت (و اینکه همه انسان‌ها دارای ویژگی‌های فطری هستند) وجود ندارد، در نتیجه انسان را بیشتر موجودی با ابعاد مادی می‌شناسند که گرایش‌های فطری در او وجود ندارد. بر اساس این دیدگاه به‌طور کلی انسان موجودی با پیچیدگی‌های بیشتر است که اهداف و غایت‌هایی که برای یک موجود پیچیده قابل طرح است، برای انسان نیز مطرح می‌شود. ایشان یک اختلاف اساسی میان تفکر اسلام درباره انسان با نوع انسان‌شناسی کنونی در غرب را اعتقاد به روح به عنوان بعد ماورایی وجود انسان می‌داند» (بیانات در دیدار با طلاب، ۱۳۸۹/۰۷/۳۰) و می‌فرماید: «اگرچه روح به عنوان بعد ماورایی وجود

انسان، در اعتقادات دینی مطرح در مسیحیت و یهودیت مورد توجه است، اما هم‌اکنون علوم شکل گرفته در انسان‌شناسی غربی، دانشی است که انسان را در همین ساحت دنیایی می‌بیند و غایت و سرنوشت او را برای این دنیای مادی تعریف می‌کند؛ این مسئله یکی از چالش‌های اساسی در مبحث انسان‌شناسی محسوب می‌شود» (همان).

«اصل انسان همین روح و فطرت است و بقیه که جسم و بدن مادی باشد، فرع انسان است اصل و فرع هردو باید حفظ شوند اما مهم اصل انسان است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۸-۲۵ بهمن). در جهان بینی جهانی هر چیزی ماهیتی دارد و خالق آن خداوند متعال است؛ اما در اینجا «بر اساس هستی‌شناسی خاص انسانی، «فطرت» بینش شهودی انسان به هستی محض و گرایش آگاهانه و پرستش خاضعانه به درگاه خدا است؛ نحوه خاصی از آفرینش که حقیقت انسان به آن نحو سرشته شده و جان آدمی به آن شیوه آفریده شده است» (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۵).

از نظر آیت‌الله جوادی، «فطرت و طبیعت هردو از قوای روحی انسان است با این تفاوت که فطرت، نحوه هستی روح بلند انسانی است و مرتبه وجودی آن بالاتر از طبیعت است و طبیعت، نیروهای تدبیری روح انسان است که متولی امور طبیعی بدن مادی او است» (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

ب) نفس: از ابعاد مهم انسان، نفس اوست که در قرآن با شئون گوناگون از او یاد شده مثل نفس مسؤله (تزیین نفس) (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۴۳۷) که کار آن این است که زشت را زیبا و زیبا را زشت جلوه کند؛ نفس اماره (تمایل به منکرات داشته و از معروف دور می‌کند) (یوسف/۵۳)؛ نفس لوامه (انسان از وجدان بیدار و ملامتگری برخوردار است) (قیامت/۲) و نفس مطمئنه (فجر/۲۷-۲۸) که دارای شأن ارزشی آرامش آفرین است (جوادی آملی ۱۳۸۳: ۱۴۳).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «نفس انسان مثل ضرورت‌ترین حیوانات و چهارپایان است. وقتی این نفس را عقل نکرديد، مهار نکرديد، کنترلش را در دست نگرفديد، سرگردان می‌شود؛ مثل حیوان وحشی سرگردان می‌شود و از این سرگردانی است که مشکلات به وجود می‌آید» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).

ج) عقل: در عرصه زندگی انسان با دو نوع عقلانیت مواجه هستیم: عقلانیت شناختی و عقلانیت عملی. عقلانیت شناختی به این معناست که عاقلانه به آنچه یک فرد باور دارد باور کنیم. همان طور که میل (۲۰۰۴: ۳) می‌گوید: عقلانیت

عملی^۱ آن است که عاقلانه است چه کاری را انجام دهیم یا علاقه داشته باشیم که انجام دهیم.

به نظر دانیال (۲۰۰: ۶۸۱-۶۸۳)، هم عقلانیت علمی و هم عقلانیت عملی مستلزم استدلال است. وظیفه عقلانیت علمی، تولید باورهای واقعی است؛ اما وظیفه عقلانیت عملی، شناسایی بهترین مسیر عمل برای رسیدن به اهداف است. این دو نوع عقلانیت ارتباط تنگاتنگی دارند و شباهت‌هایی با هم دارند. عقلانیت عملی و عقلانیت شناختی را می‌توان به دو صورت تشخیص داد: عقلانیت هماهنگی و عقلانیت فرآیندی. عقلانیت فرآیند هماهنگی عقلانی در عقلانیت شناختی خود را به صورت سازگاری مجموعه‌ای از باورها نشان می‌دهد.

عقلانیت فرآیندی نیز در عقلانیت شناختی به عنوان فرآیند عقلانی در صورت‌بندی و بازبینی باورها متجلی می‌شود به همین ترتیب، انسجام در عقلانیت عمل خود را به صورت وجود سازگاری و هماهنگی بین رفتار و اعمال نشان می‌دهد. عقلانیت فرآیندی مربوط به تصمیماتی است که فرد برای رسیدن به اهداف خود انتخاب می‌کند (رفیعی آتانی و سبحانی، ۱۳۹۱: ۸).

عقل، مرکز اندیشه و ادراک، دو کارکرد دارد: فهم و حکم (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب: ۱۹۳-۱۹۷). عقل در قرآن با تعبیری چون: علم (مجادله/۱۱)، فهم (توبه/۱۲۲، اسراء/۳۴)، تعقل (یوسف/۲، انبیاء/۱۰)، تفکر (روم/۸، آل عمران/۱۹۱)، تدبر (نساء/۸۲، محمد/۲۴) و ادراک (انعام/۱۰۳) آمده است.

آیت‌الله خامنه‌ای عقلانیت را چنین تعریف کرده‌اند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). همچنین به اعتقاد ایشان «یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). ایشان دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس را عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲) و در سخنرانی دیگری تلازم عقلانیت، عدالت و

1. epistemic or theoretical rationality and practical rationality.

معنویت متذکر شده و فرموده‌اند: «من می‌خواهم این نکته را هم عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت درهم تنیده است: یکی مفهوم عقلانیت است، دیگری معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کاررفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود. خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، درحالی‌که نیست و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند؛ بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران به مناسبت آغاز هفته‌ی دولت، ۱۳۷۶/۲/۶).

(د) قلب: قلب انسان به‌عنوان یکی از ابعاد مهم بُعد ماورایی، مرکز عواطف و احساسات است (بقره/۲۶، رعد/۲۸) که دو کاربرد دارد. یکی معرفتی و ادراکی (اعم از حصولی و حضوری) که با واژگانی نظیر عقل، فهم، تدبّر و... (اعراف/۱۷۹، حج/۴۶، محمد/۲۴) به‌کاررفته است. دیگری کاربرد عاطفی و احساسی که با کلماتی نظیر احساس اضطراب (نازعات/۸)، غیظ (توبه/۱۵)، خضوع، رأفت و لینت (حدید/۱۶)، غفلت (کهف/۲۸)، گناه (بقره/۱۸۳)، ذکر، توجه و انابه (ق/۳۷) بکار رفته است.

آیت‌الله جوادی، روح و نفس را از وجوه قلب در قرآن نام برده و جزو کارکردهای قلب دانسته‌اند با این اوصاف قلب محلی است که اراده دارد و تأثیرپذیر است. محل تشخیص حق و باطل است، پس ایمان و کفر دارد. وقتی ایمان داشته باشد در نتیجه رتبه هم دارد و وقتی دارای رتبه بود، می‌تواند محل فرود آمدن وحی نیز قرار گیرد. کارکردهای قلب از نظر آیت‌الله جوادی آملی دارای ابعادی است که اساس عقاید و باورهای بشر بر این مبنا ساخته خواهد شد: «انسان در یک نگرش، دارای سه بعد است: بُعد اعتقادات و باورها، بعد اوصاف و اخلاق و بُعد اعمال و کردار (جوادی آملی ۱۳۸۰: ۳۴/۴).

آیت‌الله خامنه‌ای قلب را مدار رشد معنویات می‌داند: «اسلام در کنار رشد مادی جامعه، رشد معنوی هم ایجاد می‌کند. می‌گوید که باید به در خانه خدا بروید: ﴿قُلْ مَا يَعْجَبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾ (فرقان/۷۷)» باید دعا کنید. ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (مؤمن/۶۰)؛ باید دعا کنید تا از خدا جواب بشنوید. حیات انسان فقط در ارتباط با خدا معنا دارد. دل و جان و زندگی معنوی انسان جز در ارتباط با خدا معنا پیدا نمی‌کند و با غفلت از خدا، دل جان خود را از دست می‌دهد و روح می‌میرد.

این را اسلام و آیات قرآن به ما می گوید: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ» (حدید/۱۶) یا «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) این ها در اسلام است؛ یعنی همان اسلامی که می گوید «به سراغ کشف منابع طبیعی و ساختن این دنیا بروید؛ ابزار مادی را به دست بگیرید؛ ذهن را مجهز به علم کنید؛ دنیا را طبیعت را ماده را و منابع را بشناسید و کشف کنید و پرورش دهید، چون از آن شماست؛ یادآور می شود که «این همه را برای خدا بکنید؛ به یاد خدا باشید؛ ذکر خدا را از دل بیرون نکنید و همه این حرکات را به صورت عبادت انجام دهید» (بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵/۲/۲۶).

از منظر آیت الله خامنه ای این کانون احساسات نباید قسی شود: «در سوره ی مبارکه ی زمر [آمده]: «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (زمر/۲۲) دل سخت، دل دچار قساوت، این جوری است. گمراهی آشکار برای این ها در این آیه ذکر شده. در سوره ی مبارکه ی مائده درباره ی بنی اسرائیل می فرماید: «فَمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» (مائده/۱۳) مظهر لعنت الهی، قساوت قلب آن ها است که بر اثر عمل خود آن ها است: «فَمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ»؛ معاهده ی خودشان با خدای متعال را فراموش کردند، نقض کردند. این ها چیزهایی است که در جامعه ی مؤمن ما باید مورد توجه باشد؛ بخصوص برای ما مسئولین که هرکدام در یک بخشی، باری بر دوش داریم. در سوره ی مبارکه ی بقره، باز درباره ی بنی اسرائیل [می فرماید]: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ» (بقره/۷۴) از سنگ سخت تر شد دل هایتان؛ این را پیغمبر اکرم از قول پروردگار در مقام مجادله و محاجه ی با یهودی های مدینه بیان می فرماید و گذشته ی آن ها را به یادشان می آورد. همه ی این ها برای ما وسیله ی درس و آگاهی و عبرت و موعظه است، باید سعی کنیم. در یک روایتی در کافی شریف است: «وَالْقَاسِيَةُ الْقَلْبِ مِثْلُ بَعِيدٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۹/۲) بُعد از خدای متعال، بدترین آفت برای انسان است؛ که انسان از خدای متعال دور بشود و قساوت قلب این خصوصیت را دارد که انسان را دور می کند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۳/۲۲).

نتیجه

با توجه به بررسی های به عمل آمده در این تحقیق، نتایج زیر به دست آمده است:

۱. از نظر آموزه های وحیانی شاکله، معادل شخصیت به معنای ملکات نفسانی است. در این تحقیق، برای رسیدن به ماهیت شخصیت، واژه شاکله از دیدگاه

زبان شناسان و مفسران به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و مشخص شده است که شخصیت دارای مفاهیمی چون ملکه، دین، طریقت، خلقت و طبیعت، نیت، خلق و خواست که برآیند معانی مذکور را «الهیة الفعلیه» به معنای صورت ظاهری و فعلی انسان تشکیل می‌دهد. در این میان، مفاهیمی مانند نیت، ملکه، خلقت و فطرت از عناصر و برخی مانند دین، روش و دین، خلق و خواست آثار آن است.

۲. شاکله به مثابه‌ی زیرساخت و علت درونی رفتار آدمی در عرصه اجتماع است.
۳. تبیین نقش شخصیت در رفتار اجتماعی، به شناخت زمینه‌های شکل‌گیری آن بستگی دارد؛ که زمینه‌های شکل‌گیری آن گاهی درونی (محیط مادی، ماورایی، غیرقابل کنترل) و گاهی بیرونی (محیط قابل کنترل و رفتار اختیاری انسان) است.
۴. برخی از عوامل درونی و بیرونی از حیطه اختیار انسان خارج و غیرقابل کنترل است. عواملی مانند وراثت، محیط کودکی، جامعه، فرهنگ‌ها و سنت‌های حاکم بر جامعه از یک سو و ابعاد مادی مانند حواس، غرایز و عوامل جاذبه و ابعاد ماورائی مانند عقل، فطرت، قلب و نفس از سوی دیگر در نگرش و رفتار انسان مؤثر است، اما همه این تأثیرات بیرونی یا درونی به نحو اقتضاست و نه علیّت تامه. در مقابل، عوامل اختیاری مانند محیط قابل کنترل و رفتارهایی که از یک فرد عاقل و با اختیار کامل سر می‌زند، از عناصر تشکیل دهنده شخصیت انسان است.

۵. اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله جوادی آملی در مورد مبانی شخصیت انسان از منظر آموزه‌های قرآن کریم با یکدیگر کاملاً مطابقت دارد. این دو عالم فرزانه به صورت مبسوط به دو بعد مادی و ماورائی در انسان پرداخته‌اند و بعد ماورائی را شامل فطرت، نفس، عقل و قلب می‌دانند.

۶. بر اساس سه شخصیت مؤمن، کافر و منافق، در خارج، سه نوع رفتار به صورت نظری و مصداق خارجی تحت عنوان: رفتارهای مؤمنان، رفتارهای منافقان و رفتارهای کافران ظهور و بروز می‌کند.

منابع

- قرآن کریم، ناصر مکارم شیرازی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲): «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹): «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴): «لسان العرب»، بیروت: دار الفکر، بیروت، سوم.
- أبو البقاء آیوب بن موسی الحسینی الکفوی (۱۴۱۹): «الکلیات، فصل العین»، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴): «معجم مقاییس اللغة»، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰)، «البحر المحیط فی التفسیر»، بیروت: دار الفکر.
- اتکینسون هلیگارد، ریتال (۱۳۸۴): «زمینه روان شناسی»، تهران: محمد تقی براهنی، کتاب صنوبر.
- استوتزل، ژان (۱۳۸۵): «روان شناسی اجتماعی»، تهران: علی محمد کاردان، سمت.
- استیونس، لسل (۱۳۶۳): «هفت نظریه درباره طبیعت انسان»، تهران: بهرام محسن پور، علامه طباطبائی.
- آلن، آ. رأس (۱۳۷۸): «روان شناسی شخصیت»، تهران: سیاوش جمالف، روان.
- آلوسی سید محمود (۱۴۱۵): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- لهی، عباس (۱۴۰۱): «تحلیل انتقادی بر مقاله شخصیت پیامبر اکرم (ص) در دائرة المعارف قرآن لیدن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۷ (۳۳)، ۸۳-۱۰۶، ۲۲۰۳۴، ۲۲۳۷۶۰۴، jqpov/۱۰۲۲۰۳۴.
- بدالعلی پور، آرش و بساک، اسماعیل (۱۳۹۹): «شخصیت شناسی و ارتباط آن در رفتار سازمانی»، پنجمین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روان شناسی، تهران.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲): «تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ثعلبی نیشابوری ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲): «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جاسبی، عبدالله؛ محمدنوربخش لنگرودی، محسن (۱۳۷۶): «مبانی رفتار انسان از دیدگاه اسلام»، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۳ (پیاپی ۳۴)، صص ۲۰-۵.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۳): «مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان»، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «تفسیر تسنیم» قم: اسراء چاپ هشتم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳): «توحید در قرآن» قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ آ): «فطرت در قرآن»، قم: اسراء، چاپ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ب): «حیات حقیقی انسان در قرآن»، قم: اسراء، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ب): «تفسیر انسان به انسان» قم: اسراء، چاپ پنجم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ج): «جامعه در قرآن»، قم: اسراء، چاپ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (بی تا): «سروش هدایت»، قم: اسراء، چاپ پنجم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰): «مبادی اخلاق در قرآن (تفسیر موضوعی)»، قم: اسراء، چاپ چهارم.
- جوانشیر، عباس، شجاعی، محمد صادق، زارعان، محمد جواد (۱۴۰۰): «نقش اراده و اختیار در پدیدآیی و تحول شخصیت»، قرآن و علم، ۱۵ (۲۸)، ۱۷۶-۲۱۰، ۲۲۰۳۴، ۲۲۱۰۵۹۳۹، qve/۱۰۲۲۰۳۴.
- حسنی، سید حمید رضا، و علی پور، مهدی (۱۳۸۵): «جایگاه شناسی علم اصول»، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- حقی بروسوی اسماعیل (بی تا): «تفسیر روح البیان»، بیروت: دارالفکر.
- خامنه ای سید علی (۱۳۸۷): «از ژرفای نماز»، قم: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

خایب عبدالکریم (بی‌تا): «التفسیر القرآنی للقرآن»، بیروت: دار الفکر العربی، راجز، کارل (۱۳۷۰): «گروه‌های رویارویی: بحثی در روان درمانی گروهی»، مترجم فرهاد ماهر، تهران: رشد.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): «مفردات ألفاظ القرآن»، بیروت: دار القلم.

رضاییان، علی و نیسانی، علی عبداللهی (۱۳۹۲): «ارائه و تبیین مدل سیستمی رفتار انسان از منظر قرآن کریم»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۱۶، صص ۸۹-۱۱۳.

رضائیان، علی (۱۳۸۱): «مبانی مدیریت رفتار سازمانی»، تهران: سمت، چاپ سوم.

رضائیان، علی (۱۳۸۷): «مبانی سازمان و مدیریت»، تهران: سمت.

رفیعی آتانی، عطاءالله؛ سبحانی، حسن (۱۳۹۱): «علوم انسانی اسلامی به مثابه کاشفیت عقلانی»، حکمت اسراء، شماره ۱۲، صص ۵۰-۲۹.

زحیلی وهبة مصطفى (۱۴۱۸): «التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج»، بیروت: دار الفکر المعاصر، چاپ دوم.

ساعتچی، محمود (۱۳۷۵): «روانشناسی کاربردی برای مدیران در خانه، مدرسه و سازمان (با تاکید بر مباحث روان شناسی صنعتی و بالینی)»، تهران: مؤسسه نشر و ویرایش، دوم.

سبزوری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹): «ارشاد الاذهان الى تفسير القرآن»، بیروت: دار التعارف للطبوعات.

شاملو، سعید (۱۳۷۴): «مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت»، تهران: رشد.

شبر، سید عبد الله (۱۴۰۷): «الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین»، کویت: مکتبه الألفین.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۵): «نگاه نو به روانشناسی انسان سالم (سفری کوتاه در شخصیت انسان)»، تهران: انتشارات اطلاعات.

شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۶۵): «نظریه مشاوره و روان درمانی»، تهران: بی‌تا.

شولتز، دوان (۱۳۸۹): «نظریه‌های شخصیت»، مترجم یوسف کریمی و همکاران، ارسباران، تهران: چاپ هشتم.

صادعدراز، محمدحسین (۱۴۰۲): «بررسی جایگاه تربیت، بر اساس اهداف حکومت در قرآن»، قرآن و علم، ۱۷(۳۳)، ۳۱۵-۳۴۲-۱۰۲۳۳۴-۱۰۲۳۳۴

ضیائی فر، سعید (۱۳۸۵): «پیش درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی»، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه‌ی مدرسین، چاپ پنجم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دارالمعرفه.

طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶): «مجمع البحرين»، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷): «تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)»، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا): «التيبان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عباس نژاد، محسن (۱۳۸۵): «قرآن و طب»، مشهد: مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰): «كتاب العين»، قم: هجرت، چاپ دوم.

فیروز آبادی، سید حسن (۱۳۹۱): «برداشتی از اندیشه دفاعی حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در حاکمیت ج.ا.ا.»، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی‌تا): «المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی»، قم: منشورات دار الرضی.

قلی پور، آرین (۱۳۸۰): «جامعه‌شناسی سازمانها: رویکرد جامعه‌شناختی به سازمان و مدیریت»، تهران: سمت.

۵۹. قوامی، سید صمصام الدین، نوبری، علیرضا (۱۳۹۶): «معناشناسی سازمان با رویکرد قرآنی»، قرآن و علم، ۱۰(۹۱)، ۱۰۳-۱۱۸

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷): «الکافی»، تهران: دار الکتب الإسلامية.
مازلو، آبراهام (۱۳۶۷): «انگیزش و شخصیت»، مترجم احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
مازلو، آبراهام (۱۳۷۱): «افق‌های بالاتر از فطرت انسان»، احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

ماهینی، سلمان، قراملکی، سکیته، فرامرز، احد (۱۳۹۴): «دلالت‌های تربیتی مفهوم قرآنی «شاکله» بر اساس رهیافت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، دوفصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال سوم، شماره ۴، صص ۵۸-۳۵.

مسترحمی، سید عیسی (۱۴۰۰): «مستندات قرآنی بایسته‌های شادی در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)»، قرآن و علم، ۱۵(۲۹)، ۱۸۶-۱۰۲. ۲۲۶۶۸۰. qve/۱۰۲۳۰۴
محمدزاده، عباس و مهره‌ژان، آرمن (۱۳۷۵): «رفتار سازمانی، نگرش اقتضایی»، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا): «تفسیر المراغی»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مصطفوی، حسن (۱۴۳۰): «التحقیق فیکلمات القرآن الکریم»، بیروت: دار الکتب العلمیة، سوم.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۸): «مجموعه آثار»، تهران: صدرا.
مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴): «تفسیر الکاشف»، تهران: دار الکتب الإسلامية.
منطقی، محسن و دیگران (۱۳۹۸): «فهم رفتار سازمانی مبتنی بر فقه»، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۷، ش ۲، صص ۳۱۶-۲۹۹.

مؤدب، سیدرضا (۱۳۹۳): «مبانی تفسیر قرآن»، قم: نشر دانشگاه، چاپ سوم.
مورهد، گریفین (۱۳۸۸): «رفتار سازمانی، سیدمهدی الوانی»، مترجم غلامرضا معمارزاده، تهران: مروارید.
موسوی جلال، زهرا؛ ملکی، یدالله (۱۳۹۳): «شاخصه‌های رفتار سازمانی از نگاه قرآن»، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد و علوم انسانی، تعداد صفحات: ۱۳.

میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱): «کشف الأسرار و عدة الأبرار»، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم.
نیک صفت، ابراهیم (۱۳۸۲): «بررسی تطبیقی روش‌شناسی نظریه پردازان شخصیت کامل در غرب و اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
نیک صفت، ابراهیم (۱۳۸۶): «روش‌های سنجش شخصیت از نگاه دین و روان‌شناسی»، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۸۵-۱۴۹.
هاینز وی ریچ، و هرولد کونتز (۱۳۸۸): «اصول مدیریت (چشم‌انداز جهانی)»، علی یارسائیان، تهران: ترمه.

ویتن، وین (۱۳۸۹): «روان‌شناسی عمومی، و تلخیص یحیی سید محمدی»، تهران: نشر روان.
یان کریستنسن، هاگ واکنر، سباستین هالیدی (۱۳۸۵): «روان‌شناسی عمومی»، مترجم رحیم میردریگوندی، ابوالقاسم بشیری، جمشید مطهری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

References:

- Glorious Quran
 'Abbās Nizhād, Moḥsin (1385 SH): "Qur'ān va Ṭibb", Mashhad: Mo'assase-e Intishārāt Bonyād-e Pazhūhishhā-ye Qur'ānī-e Ḥawzeh va Dānishgāh.
 Abū al-Baqā' Ayyūb ibn Mūsā al-Ḥusaynī al-Kafāwī (1419 AH): "al-Kullīyyāt, Faṣl al-'Ayn", Beirut: Mu'assasat al-Risāla.
 Abū al-Ḥusayn, Aḥmad ibn Fāris ibn Zakariyyah (1404 AH): "Mu'jam Maqāyīs al-Lughā". Qom: Intishārāt Daftar Tablīghāt Islāmī Ḥawza 'Ilmiyya Qom.
 Abū Ḥayyān, Muḥammad ibn Yūsuf (1420 AH): "al-Baḥr al-Muḥīṭ fī al-Tafsīr". Beirut: Dār al-Fikr.
 Alan, A. Ras (1378 SH): "Ravānshānāsī Shakhshīyyat", Tehran: Siyawash Jamālfar, Rawān.
 Ālūsī, Sayyid Maḥmūd (1415 AH): "Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Aẓīm", Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
 Atkinson Heligard, Rita al (1384 SH): "Zamīnah-yi Ravānshānāsī". Tehran: Muḥammad Taqī Barāhānī, Kitāb Šonūbar.
 Bad'al'Alīpoor, Ārash & Basāk, Ismā'īl (1399 SH): "Shakhshīyyat Shināsī wa Irtibāt ān dar Raftār-i Sāzmānī", 5th International Conference on Innovation and Research in Educational, Management and Psychology Sciences. Tehran.
 Bahjatpoor, 'Abd al-Karīm (1392 SH): "Tafsīr Tanzīlī (bi Tartīb-i Nuzūl) Mabānī Uṣūl Qawā'id wa Fawā'id", Tehran: Pazhūhishgāh-i Farhang va Andīshe Islāmī, first edition.
 Bashīrī, Abū al-Qāsim; Muṭahharī, Jamshīd (1385 SH): "Mu'assasa-yi Āmūzishī wa Pazhūhishī Imām Khomeinī (ra)". Qom.
 Elahi, Abbas (1401 SH): "Taḥlīl-e Intiqādī bar maqāle-e shakhsīyat-e Peyāmbar-e Akram (s) dar Dā'irat Ma'ārif-e Qur'ān-e Leiden", Qur'ān Pazhūhī-ye Khāvarshanasān, 17(33), 83-106. doi: 10.22034/jqopv.2023.7604
 Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad (1410 AH): "Kitāb al-'Ayn", Qom: Hijrat, second edition.
 Fayyūmī, Aḥmad ibn Muḥammad Muqarrī (N.D.): "Al-Miṣbāḥ al-Munīr fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr lil-Rāfi'ī", Qom: Dār al-Raḍī Publications.
 Fīrūzābādī, Seyyed Ḥosayn (1391 SH): "Bardāshī az Andīshe-e Difā'i Ḥazrat Imām Khamenei dar Hākīmiyat-i Khudā", Tehran: Publications of the Higher National Defense University.
 Haines, W. Richard, and Harold Koontz (1388 SH): "Usūl-e Mudīriyyat (Cheshm andāz-e Jahānī)", Translator: Alī Pārsāyān, Tehran: Tarmeh.
 Ḥaqqī Burūsawī, Ismā'īl (N.D.): "Tafsīr Rūḥ al-Bayān". Beirut: Dār al-Fikr.
 Ḥasanī, Sayyid Ḥamid Rizā, & 'Alīpoor, Mehdī (1385 SH): "Jāyigāhshināsī 'Ilm-i Uṣūl". Qom: Intishārāt Markaz Mudīriyyat-i Ḥawza 'Ilmiyya Qom.
 Ibn 'Atīyya al-Andalusī, 'Abd al-Ḥaqq bin Ghālīb (1422 AH): "al-Muḥarrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz", Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
 Ibn Kathīr, Ismā'īl ibn 'Umar (1419 AH): "Tafsīr al-Qur'ān al-'Aẓīm", Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
 Ibn Manzūr, Abū al-Faḍl Jamāl al-Dīn Muḥammad ibn Mukarram (1414 AH): "Lisān al-'Arab", Beirut: Dār al-Fikr, 3rd edition.
 Jamshīdī, Muḥammad Ḥusayn (1383 SH): "Mabānī wa Tārīkh Andīsha-yi Nizāmī dar Jahān", Tehran: Islamic Revolutionary Guard Corps, first edition.
 Jan Christensen, Haug Wagner, Sebastian Halliday (1385 SH): "Ravānshānāsī 'Umūmī" Translators: Raḥīm Mīrdarīkūndī, Abū al-Qāsim Bashīrī, Jamshīd Muṭahharī, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute
 Jāsībī, 'Abdullāh & Muḥammadnūr Bakhsh Langarūdī, Moḥsin (1376 SH): "Mabānī-yi Raftār-i Insān az Didgāh-i Islām", Iqtisād va Mudīriyyat Journal: 20-5.
 Javādī Āmuli, 'Abdullāh (1380 SH): "Mabādī Akhlāq dar Qur'ān (Tafsīr-i Mawḍū'ī)", Qom: Isrā', fourth edition.
 Javādī Āmuli, 'Abdullāh (1383 SH): "Tawḥīd dar Qur'ān", Qom: Isrā'.
 Javādī Āmuli, 'Abdullāh (1384a): "Fiṭrat dar Qur'ān", Qom: Isrā'. third edition.
 Javādī Āmuli, 'Abdullāh (1384b): "Ḥayāt-i Ḥaqīqī-yi Insān dar Qur'ān", Qom: Isrā', second edition.
 Javādī Āmuli, 'Abdullāh (1388): "Tafsīr-i Tasnīm", Qom: Isrā', eighth edition.

- Javādi Āmulī, 'Abdullāh (1389b): "Tafsīr Insān bi Insān", Qom: Isrā', fifth edition.
- Javādi Āmulī, 'Abdullāh (1389c): "Jāmi'a dar Qur'ān", Qom: Isrā', third edition.
- Javādi Āmulī, 'Abdullāh (N.D): "Sūrush-i Hidāyat", Qom: Isrā', fifth edition.
- Jawānshīr, 'Abbās; Shujā'ī, Muḥammad Sādiq & Zārī'ān, Muḥammad Javād. (1400 SH): "Naqsh-i Irāda va Ikhtiyār dar Padidāyī va Taḥawwul-i Shakhsīyyat". Qur'ān wa 'Ilm Journal, 15(28), 176-210. doi: 10.22034/qve.2021.5939
- Kahneman, Daniel (2000): "A psychological point of view: Violations of rational rules as a diagnostic of mental processes", The Behavioral and Brain Sciences 23: 681-683.
- Khamenei, Sayyid 'Alī (1387 SH): "Az Jarfā-yi Namāz". Qom: Daftar Nashr va Farhang Islāmī.
- Khaṭīb, 'Abd al-Karīm (N.D): "al-Tafsīr al-Qur'ānī li al-Qur'ān". Beirut: Dār al-Fikr al-'Arabī.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Yaḥyā (1407 AH): "Al-Kāfi (al-Islamiyah edition)", Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Māhīnī, Salmān, Farāmarz Qarāmalakī, Aḥad (1394 SH): "Dalālat-hāye Tadrīsī Mafhūm-e Qur'ānī 'Shākile' bar Asās-e Rahyāfī-e 'Allāmeḥ Ṭabāṭabā'ī dar Tafsīr-e Al-Mīzān", Pazhūhī-ye 'Ulūm-e Tadrīsī az Didgāh-e Islām, Year 3, Number 4.
- Maslow, Abraham (1367 SH): "Angīzish va Shakhsīyat" Translator: Ahmad Rezvani, Mashhad: Aṣṭan Quds Razavi.
- Maslow, Abraham (1371 SH): "Ofoq-hāye Vālātār az Fiṭrat Insān", Translator: Ahmad Rezvani, Mashhad: Aṣṭan Quds Razavi, second edition.
- Mele, Alfred R. and Rawling (2004): "Introduction: Aspects of rationality", In A.R. Editors: Mele and P. Rawling.
- Meybūdī, Aḥmad ibn Muḥammad (1371 SH): "Kashf al-Asrār va 'Addat al-Abrār", Tehran: Amīr Kabīr Publications, fifth edition.
- Mo'addab, Seyyed Reza (1393 SH): "Mabānī-e Tafsīr-e Qur'ān", Qom: Nashr-e Dāne-shgāh, third edition.
- Moorhead, Griffin (1388 SH): "Raftār-e Sāzimānī", Translators: Seyyed Mahdī Alvani, Gholāmrezā Mi'mārzādeh, Tehran: Morvarid.
- Mughniyah, Muḥammad Jawad (1424 AH): "Tafsīr-e Al-Kāshif", Tehran: Dār Kitāb Islamiyyah.
- Muhammadzādeh, Abbas, and Mehrujān, Ārmen (1375 SH): "Raftar-e Sāzimānī, Nigarish-e Iqtizā'ī", Tehran: Publications of 'Allāmeḥ Ṭabāṭabā'ī University.
- Muntaqa, Moḥsin et al (1398 SH): "Fahm-e Raftār-e Sāzimānī Mobtanī bar Fiqh" Nashriye-ye Mudīriyyat-e Farhāng Sāzimānī, volume 17, No. 2.
- Murāghī, Aḥmad ibn Muṣṭafā (N.D.): "Tafsīr-e Al-Murāghī", Beirut: Dār-e Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Mūsavī Jalāl, Zahra, and Malakī Yadollāh (1393 SH): "Shākhiṣhā-e Raftār-e Sāzimānī az Nigāh-e Qur'ān", 2nd International Conference on Management, Economics, and Sciences.
- Muṣṭafawī, Ḥasan (1430 AH): "Al-Taḥqīq fī Kalimāt-e Qur'ān-e Karīm", Beirut: Dār Kitāb 'Ilmīyyah, third edition.
- Muṣṭaḥramī, Seyyed 'Īsā (1400 SH): "Moṣṭanadāt-e Qur'ānī Bāyeṣṭihā-ye Shādī dar Didgāh-e Maqām-e Mo'azzam-e Rahbarī", Qur'ān va 'Ilm Journal, 15(29), 186-211. doi: 10.22034/qve.2022.6648
- Mutahhari, Morteza (1378 SH): "Majmu'eh-ye 'Āsār", Tehran: Sadra.
- Nīk Shīfat, Ibrahim (1382 SH): "Barresi-e Tatbiqī-e Raveshshanāsī-e Nāzarī-e Shakhsīyat-e Kāmil dar Gharb va Islām", Master's Thesis (Unpublished).
- Nīk Shīfat, Ibrahim (1386 SH): "Ravesh-hāye Sanjish-e Shakhsīyat az Nigāh-e Dīn va Ravānshanāsī", Qom: Moṭālī'āt-e Islām va Ravānshanāsī, Year 1, Number 1.
- Qolī Poor, Ārīn (1380 SH): "Jāmishanāsī-e Sāzimān-hā: Ruvikard-e Jāmi'e shanāsī bi Sāzimān va Mudīriyyat", Tehran: SAMT.
- Rafī'ī Āṭānī, 'Aṭā'ullāh, and Ḥosayn Sobḥānī (1391 SH): "'Ulūm-e Insānī Islāmī be Masābe Kāshīfiyat-e 'Aqlānī", Ḥikmat-e Isrā' Journal, Series 12.
- Rāghīb Isfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad (1412 AH): "Mufradāt Alfāz al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Qalam.
- Rajirs, Karl (1370 SH): "Guruḥhā-i Rūyārū'ī: Baḥṭh dar Ravān-darmānī-i Guruḥī", Teh-

- ran: Farhād Māhir, Rushd.
- Rezāyān, 'Alī (1381 SH): "Mabānī-i Mudīriyyat-i Raftār-i Sāzimānī", Tehran: SAMT, third edition.
- Rezāyān, Alī (1387 SH): "Mabānī-i Sāzimān va Mudīriyyat", Tehran: SAMT.
- Rezāyān, Alī, and Nisānī, Alī 'Abdullāhī (1392 SH): "Chishm-andāz-i Mudīriyyat-I Dowlatī", Series 16: pp. 89-113.
- Sā'atcī, Maḥmūd (1375 SH): "Ravānshānāsī Kārbordī barāye Mudīrān dar Khāneh, Madraseh va Sāzimān (bā Takīd bar Mabāhith-e Ravānshānāsī San'atī va Bālīnī)", Tehran: Mo'assase-i Nashr va Virāyish, second edition.
- Sabzvārī Najafī, Muḥammad ibn Ḥabīb Allāh (1419 AH): "Irshād al-Azhān ilā Tafsīr al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Ta'arūf li al-Maṭbū'āt.
- Sā'idrazī, Muḥammad Ḥoseyn. (1402 SH): "Barresī-ye Jāyigāh-e Tadrīs, bar Asās-e Ahādāf-e Ḥukumat dar Qur'ān", Qur'ān va 'Ilm Journal, 17(33), 315-342. doi: 10.22034/qve.2024.9071
- Qavāmī, Seyyed Šamsām al-Dīn, Nobarī, Alīrezā (1396 SH): "Ma'nāshānāsī-ye Sāzimān bā Ruvikard-e Qur'ānī", Qur'ān va 'Ilm Journal, 10(19), 103-118.
- Shā'arī Nizhād, Alī Akbar (1385 SH): "Nigāh-i Nū bi Ravānshānāsī-i Insān-i Sālim (Safarī Kūāh dar Shakhshīyat-i Insān)", Tehran: Itilā'āt Publications.
- Shabr, Seyyed 'Abd Allāh (1407 AH): "Al-Jawhar al-Thamīn fī Tafsīr al-Kitāb al-Mubīn", Kuwait: Maktabat al-Alfīn.
- Shafī' Ābādī, 'Abdullāh (1365 SH): "Nazariye-e Mushāvere va Ravān-Darmāmī", Tehran: n.p.
- Shāmlū, Sa'id (1374 SH): "Makātbhā va Nazariyehā dar Ravānshānāsī-e Shakhshīyat", Tehran: Rusd.
- Shultz, Duane (1389): "Nazārīhā-ye Shakhshīyat", Translators: Yūsuf Karīmī et al, Tehran: Arasbārān, seventh edition.
- Stevenson, Liseli (1363 SH): "Haft Nazariyye darbāre-e Tab'at-i Insān", Tehran: Bahrām Muhsinpūr, 'Allāma Ṭabāṭabā'ī.
- Stoutzel, Jan (1385 SH): "Ravānshānāsī Ijtīmā'ī". Tehran: 'Alī Muḥammad Kardan, SAMT.
- Ṭabarī, Abū Ja'far Muḥammad ibn Jarīr (1412 AH): "Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Ma'rifah.
- Ṭabarsī, Faḍl bin Ḥasan (1372 SH): "Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān", Tehran: Nāšir Khosrow Publications, third edition.
- Ṭabāṭabā'ī, Seyyed Muḥammad Ḥusayn (1417 AH): "Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān", Qom: Daftar-e Intishārāt-e Islāmī-ye Jāmi'e Mudarrisīn, fifth edition.
- Tha'labī Nishābūrī, Abū Ishāq Aḥmad ibn Ibrāhīm (1422 AH): "al-Kashf wa al-Bayān 'an Tafsīr al-Qur'ān", Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Ṭurayhī, Faḥr al-Dīn (1416 AH): "Majma' al-Baḥrayn", Tehran: Kitābfurūshī Mortazavī, third edition.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1407 AH): "Tahdhīb al-Aḥkām (Ed. Khorāsānī)", Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, fourth edition.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan (N.D): "Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān", Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Witten, Wayne (1389 SH): "Ravānshānāsī 'Umūmī", Editor: Yaḥyā Seyyed Moḥammadī, Tehran: Nashr-e Ravān.
- Zaḥlīlī, Wahbah ibn Muṣṭafā (1418 AH): "Al-Tafsīr al-Munīr fī al-'Aqīdah wa al-Sharī'ah wa al-Manhaj", Beirut: Dār al-Fikr al-Mu'āssir, second edition.
- Ziyā'ī Far, Sa'id (1385 SH): "Pīsh Darāmadī bar Maktabshānāsī-ye Fiqhī", Qom: Pazhūheshgāh-e 'Ulūm va Farhang-e Islāmī.